



اثبات حق تعیین سرنوشت و قلمرو آن؛ از منظر اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران

معصومه سرادقی توپکانلو^۱

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران

چکیده

حق تعیین سرنوشت از حقوق بشری محسوب می شود که به موجب آن افراد و ملت ها، سرنوشت خود را در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و... تعیین می کنند. حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، در ادیان ابراهیمی و به ویژه در دین مبین اسلام نیز مورد تأکید واقع گشته است. قرآن کریم قائل به فردی بودن حق تعیین سرنوشت شده و آن را حقی برای تک تک افراد بشر شناخته که در نهایت این حق به حق جمعی هم برمی گردد. هرچند در حکومت اسلامی مردم در مشروعیت بخشی حکومت نقشی ندارند، اما در تحقق و فعلیت بخشیدن به آن تأثیر بسزایی دارند. بنابراین، مردم در حکومت اسلامی نقش و جایگاهی اساسی دارند. از مبانی حق تعیین سرنوشت، می توان از امر به معروف، کرامت ذاتی، اصل آزادی اراده، اصل برابری، اصل مسئولیت همگانی، اصل عدم ولایت، مشورت و... را نام برد. مبانی اصل حق تعیین سرنوشت که حاکم بر قانون اساسی می باشد، احکام شرع مقدس و نیز جمهوری بودن نظام است. در ادامه، با تشریح کامل انواع حق تعیین سرنوشت، به نوع کاربست هر یک از این حقوق، در نظام حقوقی اسلام و ایران و مقایسه این دو با یکدیگر با روش تحلیلی و کتابخانه ای خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حق تعیین سرنوشت، حق حاکمیت، مردم سالاری، مشارکت سیاسی